



تحلیل همپوشانی پهنه‌بندی فقر و بافت فرسوده در فضاهای پیراشهر تهران

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۲/۲۰

پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۴/۳۰

صفحات: ۱۷۵-۱۹۲

حافظ مهدنژاد؛ استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه سید جمال‌الدین اسدآبادی، اسدآباد، ایران.
احمد زنگانه؛ استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
نوید سعیدی‌رضوانی؛ استادیار گروه شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

چکیده

هدف مقاله حاضر تعیین مکانی پهنه‌های فقر و فرسودگی بافت کالبدی-فضایی شهر شهریار است. این پژوهش از نوع کاربردی و روش آن توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری شامل محدوده قانونی شهر شهریار در سال ۱۳۹۵ است. در این پژوهش از طریق روش های AHP و دلفی به پهنه‌بندی مکانی فقر اقدام شده است. از نرم‌افزارهای GIS و Expert choice برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است. متغیرهای پژوهش مشتمل بر بعد خانوار، نسبت جمعیت زیر ۱۵ سال از کل جمعیت، نسبت مهاجران به جمعیت هر محله، نسبت جنسی مهاجران، نسبت جنسی، نرخ باسوادی، نرخ بیکاری کل، بار تکفل، خانه‌های تعمیری، خانه‌های تخریبی، تعداد طبقات و میزان دسترسی به کاربری-های آموزشی، بهداشتی، فراغتی و فضای سبز است. نتایج پژوهش بیانگر نوعی قطبش اجتماعی در شهر شهریار است. به طوری که محله‌های بردآباد شمالی و بردآباد جنوبی، محمدیه، کرشته، فرهنگ، طالقانی، کهنز، سینک، فرزندگان، مریم شمالی، شهرک اداری، باغستان شرقی، باغستان غربی، معین الملک، بهار، علیشاعوض، شاه‌چای جنوبی، دینارآباد و آستانه جنوبی در وضعیت نامتعارف و محرومی قرار دارند. در همان حال که محله‌های مریم جنوبی، فرزندگان جنوبی، شاه‌چای شمالی، بوستان، آستانه شمالی، صدف و شاهد در وضعیت بهتری قرار دارند. از سوی دیگر، محله‌های امیرآباد (بردآباد شمالی و جنوبی)، کرشته، فرهنگ و کهنز به عنوان بافت‌های مصوب شهر شهریار شناخته می‌شوند. مساحت بافت فرسوده در شهر شهریار، ۱۵۰ هکتار است که بر اساس آمار سال ۱۳۹۵، ۴۶۲۷۴ نفر در آن زندگی می‌کنند. بنابراین همپوشانی کاملی بین پهنه‌های فقیرنشین و بافت‌های فرسوده در شهر شهریار وجود دارد.

واژه‌های کلیدی:

پهنه‌های فقر، بافت فرسوده، فضاهای پیراشهری، شهر شهریار.



امروزه شهرها، به ویژه شهرهای میلیونی کشورهای در حال توسعه به شکل غم‌انگیزی مکان تمرکز فقر شده‌اند، چنان بیش از یک میلیارد نفر در محله‌های فقیرنشین و غیررسمی زندگی می‌کنند. بر اساس آمارهای مرکز اسکان بشر سازمان ملل متحد، جمعیت محله‌های فقیرنشین، احتمالاً تا سال ۲۰۵۰ به سه میلیارد نفر در سراسر جهان خواهد رسید (UN-Habitant, 2015:35). به مرور تعداد زیادی از فقرا به حاشیه شهرها رانده می‌شوند که در آنجا نیز با مشکلات جدیدی برخاسته از شرایط محلی مواجه می‌شوند. صدمات ناشی از فقر بسیار گسترده و طولانی‌مدت می‌باشد. فقر، پایداری شهرها را در ابعاد اقتصادی-اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی و امنیتی تهدید می‌کند. به اعتقاد مالتوس، بیشتر فقرا در رفتارهایی که برای محیط زیان‌آور است شرکت می‌کنند. محله‌های فقیرنشین دارای ویژگی‌هایی نظیر ازدحام بیش از حد جمعیت، بافت نابسامان و ناکارآمد، خانه‌های فرسوده و کثیف، فقر و نابسامانی اجتماعی، فقدان ذخیره کافی آب؛ بهداشت ناکافی؛ ناامنی حق تصرف، کیفیت ساختاری ضعیف برای واحدهای مسکونی یا محیط کالبدی ناسالم؛ زوال شهری، میزان بالای فقر، بیسوادی و بیکاری و تاب‌آوری پایین هستند (Hussain et al., 2019:2). همچنین آن‌ها زمینه‌های مستعدی برای انواع مسائل اجتماعی نظیر جرم و جنایت، سوء‌مصرف مواد مخدر، میزان بالای بیماری‌های روحی و خودکشی می‌باشند. به عبارت دیگر، شهرها به طور روزافزونی ناعادلانه، نابرابر و دوقطبی شده‌اند چراکه ساکنان محله‌های فقیرنشین از مزایا و فرصت‌هایی که بوسیله شهرها ارائه می‌شود سود نمی‌برند (Liddle, 2017:2). بنابراین سیاست‌سازان و سیاست‌گذاران شهری دیگر نباید شهرها را به عنوان کل‌های یکنواخت (به این معنا که به طور سنتی متخصصان توسعه بر روی دو سطح فضایی شهر و روستا متمرکز شده‌اند، اما اکنون باید سطح سوم فضایی یعنی محلات فقیرنشین و فرودست شهری نیز به این تحلیل افزوده گردد) در نظر بگیرند (مهدنژاد و پرهیز، ۱۳۹۶). ریشه‌های نظری تحلیل فضایی فقر شهری به کتاب مشهور بوث^۱ با عنوان زندگی و کار مردم در لندن بر می‌گردد که بین سال‌های ۱۸۸۶ و ۱۹۰۳ نوشته شده است. این پژوهش اولین تلاش برای درک فقر شهری از طریق یک رویکرد علمی است. بوث مجموعه‌ای از نقشه‌های تفصیلی در خصوص خیابان‌های لندن بر اساس روش‌های کارتوگرافیک ترسیم کرد، که قبلاً در آن زمان استفاده شده، اما هرگز در چنین مقیاس گسترده‌ای کاربردی نشده بود (Benassi & Morlicchio, 2019:1). در این میان، فقر شهری در مناطق پیرا کلان‌شهرها، نمود بارزی دارد. فقرای شهری برای فرار از تله فقر به سمت قطب‌های اقتصادی یا کلان‌شهرها مهاجرت می‌کنند. بیشتر این افراد از پایگاه اقتصادی-اجتماعی و آموزشی مناسبی برخوردار نمی‌باشند. در نتیجه، تسلط اقتصاد خدمات‌محوری در کلان‌شهرها، زمینه را برای جذب آن‌ها با دستمزدهای پایین فراهم می‌آورد. از آنجا که کارکنان این گونه مشاغل، توان پرداخت هزینه‌های زیست و معیشت در کلان‌شهرها را ندارند، بنابراین به سمت مناطق پیرامونی و به خصوص حاشیه‌های ارزان قیمت شهرهای پیرامون یا مناطق پیراشهری هدایت می‌شوند. به گونه‌ای که یا در محله‌های فرسوده و ناکارآمد اسکان پیدا می‌کنند و یا به سمت تشکیل محله‌های غیررسمی، غیراستاندارد و زاغه‌ای حرکت می‌کنند (شکل ۱).

^۱Booth



شکل ۱. ارتباط بین فقر، بافت فرسوده و مناطق پیرا کلان شهری

در این میان، شهر شهریار به خاطر نزدیکی به کلانشهرهای تهران و کرج به یکی از نقاط اسکان فقرا تبدیل شده است. جمعیت شهر شهریار طی دهه ۵۵-۴۵ نزدیک به دو برابر و طی سه دهه بعد هر کدام بیش از دو برابر شده است. به این ترتیب جمعیت در این شهر در چهل سال گذشته (۱۳۵۵-۱۳۹۵)، بیش از ۲۶ برابر شده است که گویای افزایش جمعیت شهر با متوسط نرخ رشد سالانه بیش از ۸/۵ درصد است. از آنجایی که فقرا توان پرداخت هزینه های مسکن در محله های برخوردار شهر شهریار را ندارند بنابراین به سمت اسکان در مناطق حاشیه ای این شهر می روند. در نتیجه پهنه های فقر در قالب حاشیه نشینی و اسکان غیررسمی در شهر شهریار رخساره نموده است. بر همین مبنا پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به سوال های زیر است:

- تمرکز مکانی فقر شهری در محله های شهر شهریار چگونه است و در چه مکان هایی از شهر قرار دارد؟
- توزیع مکانی - فضایی فقر شهری و بافت های فرسوده در شهر شهریار از چه نظمی تبعیت می کند؟

درک فقر شهری با کمبود منابع مادی آغاز شده و به پدیده های چندبعدی و پیچیده گسترانده شده است. به طور عادی فقر به عنوان نبود موارد مورد نیاز برای رفاه مادی بخصوص غذا، سرپناه، پوشاک، آب پاکیزه و سایر دارایی ها تعریف شده است (زنگانه و همکاران، ۱۳۹۴؛ مهدنژاد و پرهیز، ۱۳۹۹). نظریه های زیادی در خصوص فقر شهری مطرح شده است. با وجود این، وضعیت شهر شهریار با نظریه های بی سازمانی اجتماعی^۱ انزوای اجتماعی^۲ و تمرکز فقر، انطباق بیشتری دارد. بر اساس نظریه بی سازمانی اجتماعی، تمرکز فقر در فضاهای شهری موجب تشویق توسعه خرده فرهنگ هایی می شود که منجر به رفتارهای انحرافی می شوند. در حقیقت، این نظریه بر عدم کنترل اجتماعی روی جوانان، عدم اعتماد و روابط اجتماعی بین همسایگان، تعهد اجتماعی ضعیف و میزان بالای جرم در محله های دارای تمرکز فقر تأکید می نماید (Small, 2004:20). بی سازمانی اجتماعی به ناتوانی اجتماع در تحقق ارزش های مشترک اعضای آن و حفظ کنترل اجتماعی کارآمد اطلاق می شود (Kubrin & Wo, 2016:122). نظریه انزوای اجتماعی در کتاب محرومیت حقیقی^۳ توسط ویلسون^۴ مطرح شده است. بر اساس این نظریه، فقر شهری تنها محصول تمرکز خانوارهای فقیر نیست، بلکه نتیجه شرایط و چشم انداز فقرا نیز است. تمرکز این نظریه بر مفهوم طبقه مادون^۵ است. طبقه مادون در بخش مرکزی شهرها زندگی می کنند و دارای فقر شدید، بی ثباتی خانواده، بیکاری زیاد، سیستم آموزشی ضعیف و جرم هستند. این جمعیت همچنین از مشکلاتی همچون میزان بالای اعتیاد به مواد مخدر،

^۱Social disorganization

^۲Social isolation

^۳Truly disadvantaged

^۴Wilson

^۵Underclass

زایمان‌های نامشروع و وابستگی به رفاه رنج می‌برد. این جهت‌گیری، ویلسون را وادار کرد تا بیشتر روی کانون‌های فضایی فقر تمرکز کند و به بررسی این موضوع بپردازد که بعد فضایی چگونه منجر به ایجاد سندرم محرومیت می‌شود که او آن را اثرات تمرکز نامیده است. چنین تأثیراتی شامل محرومیت از بازار رسمی کار، انزوای اجتماعی، عدم حمایت دولت رفاه و رفتار سخت‌گیرانه توسط چنین نهادهایی است (Wilson, 1987). نظریهٔ تمرکز فقر به درصد افراد فقیری اشاره دارد که در محله‌های با فقر بالا زندگی می‌کنند. سازمان فضایی فقر به فقر کمک می‌کند و به حفظ آن در گذر زمان نقش ایفا می‌نماید (Jargowsky, 2012). فقر متمرکز شده توصیف‌کننده مناطقی است که بخش زیادی از ساکنان آن، فقیر و محروم هستند (Shapiro et al., 2015). مفهوم فقر متمرکز شده توسط جارگوسکی بر مبنای مفهوم محله‌های با فقر بالا بسط یافته است. از دیدگاه وی، نرخ فقر متمرکز شده نمایانگر سهم تمام افراد فقیر در یک منطقه خاص است (Erickson et al., 2008). ساکنان این محله‌ها از بسیاری از حقوق اولیه محروم‌اند. ویلسون و همکاران اظهار داشته‌اند که تغییرات در شهر میانی، پدیده‌ای جدید، منحصربه‌فرد و روبه‌رشد را ایجاد کرده است: مادون طبقه. مشخصه بارز این طبقه، تمرکز جغرافیایی، انزوای اجتماعی از طبقه متوسط و بیکاری است. به اعتقاد ویلسون، طبقه مادون یک کلیت جدید است (Small & Newman, 2001).

پژوهش‌های زیادی در خصوص فقر شهری انجام گرفته که به مهم‌ترین آن‌ها در این تحقیق اشاره می‌شود. گوا و همکاران (۲۰۱۸) به تحلیل فضایی تمرکز فقر در یک شهر مرفه (هنگ کنگ) در هنگ کنگ پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان دهندهٔ آن است که توزیع فقر در شهر هنگ کنگ همگن نیست، بلکه مناطقی که دارای میزان بالایی از فقر هستند، به طور سیستماتیک خوشه‌بندی شده‌اند. تمرکز سطح بالای فقر در بخش مرکزی شهر و حومه شهر هنگ کنگ یافت می‌شود که علت این امر مربوط به سیاست‌های توسعه شهرهای جدید طی چند دهه گذشته و سیاست مسکن عمومی دولت هنگ کنگ است (Guo et al., 2018). هیزان و همکاران (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان «فقر شهری و مسکن» به تحلیل شاخص‌های اجتماعی فقر شهری پرداخته‌اند. نتایج نشان دهندهٔ آن است که ۷ درصد جمعیت کشور مالزی در محله‌های فقیرنشین زندگی می‌کنند. میزان فقر جمعیت مناطق شهری در کشور مالزی حدود ۲ درصد و میزان فقر شدید، ۰/۳ درصد است (Haizzan et al., 2018). زینال و همکاران (۲۰۱۲)، به تحلیل وضعیت مسکن و فقرای شهری در مالزی پرداخته‌اند. نتایج آن‌ها نشانگر آن است که رابطهٔ مثبتی بین فقر و وضعیت مسکن وجود دارد (Zainal et al., 2012).

سلیمانی مقدم و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای به پهنه‌بندی و تحلیل فضایی فقر شهری در شهر مشهد پرداخته‌اند. براساس نتایج پژوهش نزدیک ۳۰ درصد از سطح شهر مشهد از وضعیت نامناسبی برخوردار هستند. نیک پور و حسنعلی زاده (۱۳۹۷) در مقاله‌ای به تحلیل میزان انطباق پهنه‌های بافت فرسوده شهری با پهنه‌های فقر در شهر قائم‌شهر پرداخته‌اند. با انطباق محدوده بافت فرسوده و پهنه‌های فقر مشخص شد که پهنه‌های وسیعی از فقر، در محدوده بافت فرسوده قرار ندارند. در واقع تقریباً بین ۱۰ درصد از مساحت و جمعیت محدوده بافت فرسوده و پهنه فقر انطباق و همپوشانی وجود دارد. موحد و ولی نوری (۱۳۹۶) در مقاله‌ای به تحلیل پویایی فقر شهری در کلان‌شهر تهران ۱۳۷۵ - ۹۰ مبادرت نموده‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که فقر

^۱Jargowsky

^۲Guo et al

^۳Zainal et al

در کلان‌شهر تهران طی ادوار مورد مطالعه به سمت خوشه‌ای شدن حرکت کرده و از حالت متفرق به وضعیت به هم پیوسته و خوشه‌ای تغییر شکل داده است. صدر موسوی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای به تحلیل فضایی و رتبه‌بندی شهرهای استان آذربایجان غربی بر اساس شاخص‌های فقر شهری اقدام نموده‌اند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که شهرهای سردشت، پیرانشهر، شاهین دژ، تکاب، پلدشت، اشنویه، چالدران، شوط و چاپاره با میانگین ضریب توسعه ۰/۲۷۹۰ در سطح آخر توسعه-یافتگی و اولویت اول برای توسعه جهت رفع فقر شهری هستند بزرگوار و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای به سنجش مکانی پهنه‌های فقر شهری در شهر جدید هشتگرد پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد بیش از ۹۲٪ ساکنان شهر جدید هشتگرد جزء طبقه فقیر هستند. یدالهی و همکاران (۱۳۹۵) به تحلیل توزیع فضایی فقر در نواحی شهری شهرستان‌های استان کرمان پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد بیشترین فقر در سطح استان متعلق به شهرستان‌های کهنوج و منوجان است.

روش‌شناسی

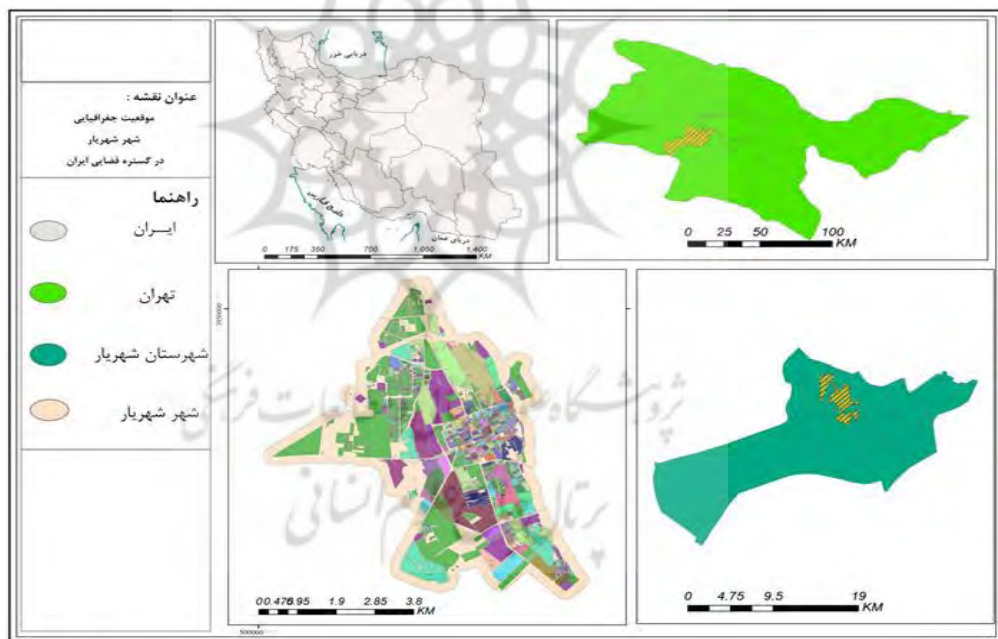
جامعه آماری پژوهش حاضر، محدوده قانونی شهر شه‌ریار در سال ۱۳۹۵ است. پژوهش حاضر از نوع کاربردی و روش آن، توصیفی تحلیلی است. داده‌های پژوهش، اسنادی و مبتنی بر بررسی‌های میدانی (بازدید میدانی از وضعیت بافت شهری شه‌ریار) است. با استفاده از شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی (جدول ۱) و بهره‌گیری از مدل AHP و دلفی اقدام به شناسایی محله‌های فقیرنشین مکانی در شهر شه‌ریار گردید. در ابتدا داده‌ها، استاندارد شده و پس از آن، مقدار آنها محاسبه شده است. از آنجایی که اهمیت نسبی شاخص‌ها و تأثیر آن‌ها بر محله‌ها با یکدیگر برابر نیست. برای دخالت اثرگذاری متفاوت این شاخص‌ها، نیازمند وزن‌دهی به آن‌ها هستیم. برای به دست آوردن اهمیت نسبی معیارها و زیرمعیارها از روش وزن‌دهی AHP و سنجش اهمیت گزینه‌ها از روش وزن‌دهی دلفی، استفاده شده است. سپس به تعیین ماتریس هماهنگ و ماتریس ناهماهنگ و همینطور ماتریس هماهنگ مؤثر و ماتریس ناهماهنگ مؤثر پرداخته شده است. در نهایت، ماتریس کلی ایجاد شده است.

جدول ۱. ابعاد و شاخص‌های پژوهش

ابعاد	شاخص‌ها
کالبدی	میزان دسترسی به خدمات و امکانات
	درصد واحدهای تعمیری
	درصد واحدهای تخریبی
اجتماعی	درصد واحدهای یک طبقه
	تعداد مهاجران
	نسبت جمعیت زیر ۱۵ سال از کل جمعیت
	بعد خانوار
	نسبت جنسی
اقتصادی	نسبت جنسی مهاجران
	نرخ باسوادی
	بار تکفل
	نرخ بیکاری

منبع: مطالعات نگارندگان بر اساس گوا و همکاران (۲۰۱۸)؛ هیزان و همکاران (۲۰۱۸)؛ زینال و همکاران (۲۰۱۲)؛ زنگانه و همکاران، ۱۳۹۴؛ مهدزاد و پرهیز، ۱۳۹۹؛ مهدزاد و پرهیز، ۱۳۹۶؛ سلیمانی مقدم و همکاران (۱۳۹۸)؛ نیک پور و حسنعلی زاده (۱۳۹۷)؛ موحد و ولی نوری (۱۳۹۶)؛ بزرگوار و همکاران (۱۳۹۶)

شهریار مرکز شهرستان شهریار در استان تهران است که در فاصله حدود ۱۶ کیلومتری غرب شهر تهران و ۱۸ کیلومتری از جنوب شهر کرج واقع شده است. از نظر موقعیت در غرب استان تهران و در قسمت شمال‌غربی با شهرهای ملارد و اندیشه، در غرب و شمال‌شرقی با شهرهای باغستان و شهرستان قدس، در جنوب و جنوب‌شرقی با شهرهای فردوسیه و صباحشهر و در جنوب‌غربی با شهر و حیدیه همسایگی دارد (شکل ۲). شهریار دارای باغات میوه متنوع و فراوان و آب و هوای فرح‌بخش و مطبوعی است. این شهر به دلیل وجود درختان و فضای سبز بسیار به عنوان نگین سبز و ریه استان تهران نامیده می‌شود. بر اساس سرشماری ۱۳۹۵، جمعیت شهر شهریار، ۲۴۹۴۷۳ نفر است. شهر شهریار از ۴ کانون شهری مختلف شامل شهریار، وائین، اندیشه و امیریه (بردآباد) تشکیل شده است. این چهار کانون شهری به لحاظ ویژگی‌های شهری دارای تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای هستند، به گونه‌ای که می‌توان وائین و اندیشه را توسعه شهری جدید و شهریار را هسته سکونتی با قدمت تاریخی و امیریه (بردآباد) سکونتگاهی خودرو در محدوده شهر شهریار نامید. براساس یافته‌های باستان‌شناسی، قدمت شهر را به هزاره هفتم قبل از میلاد و سابقه شهرنشینی در شهریار به هزاره پنجم قبل از میلاد می‌رسد. در شهر شهریار دو امامزاده در فاصله ای حدود ۱/۵ کیلومتر از یکدیگر قرار داشته‌اند. یکی امامزاده اسماعیل در علیشاه‌عوض و دیگری امامزاده هادی در کرشته که سکونتگاه‌های اطراف آن به هم پیوسته و به تدریج شهریار را شکل داد. محدوده شهر ۳۱۸۱ هکتار است (مهندسان مشاور باوند، ۱۳۹۷).



شکل ۲. موقعیت جغرافیایی شهر شهریار در استان تهران و شهرستان شهریار

بر اساس آمار سال ۱۳۹۵، متوسط بعد خانوار در سطح شهر شهریار ۳/۷ نفر در خانوار بوده است. نسبت جنسی ۱۰۶ مرد در قبال ۱۰۰ زن بوده است. نرخ باسوادی ۹۲ درصد است. نرخ تکفل در شهریار معادل ۳/۲۸ نفر است. در طبقه‌بندی کیفیت بنا در شهر شهریار ۵۳ درصد از مساحت قطعات در گروه قابل استفاده و ۳۷ درصد در گروه نوساز و

در حال ساخت قرار می‌گیرند. ۸ درصد از ساختمان‌های سطح شهر نیاز به تعمیر و بازسازی دارند. قطعاتی که جزء اراضی بایر و ساختمان‌های مخروبه هستند نیز حدود ۳ درصد از سطح کل شهر را شامل می‌شود. از کل قطعات برداشت شده در شهر شهریار حدود ۵۷ درصد از پلاک‌ها در فاصله ۱۰ تا ۳۰ سال اخیر ساخته شده‌اند. شهر شهریار به رغم دارا بودن ظرفیت‌های توسعه درونی و وجود سطوح بایر گسترده (۸۶۳ هکتار) با کمبود خدمات شهری روبرو است و رشد بالای جمعیت در فاصله سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ (به میزان ۵/۶ درصد)، نیاز به تأمین خدمات متناسب با جمعیت بیشتر می‌کند. کاربری‌های مسکونی، ۱۷ درصد، شبکه معابر ۱۹ درصد و کاربری‌های خدماتی حدود ۱۰ درصد از سطح کاربری‌های کل شهر را دربر گرفته است. بیشترین سطح اراضی در کل شهر مربوط به زمین‌های بایر (۲۷ درصد از کل شهر) است (جدول ۲).

جدول ۲. سطح و سرانه کاربری زمین در وضع موجود شهر شهریار

کاربری اصلی	مساحت (متر مربع)	نسبت (درصد)	سرانه (متر مربع)
مسکونی	۵۴۴۵۷۹۸	۱۷,۱	۲۱,۲
آموزش تحقیقات و فناوری	۲۳۱۲۸	۰,۱	۰,۱
آموزشی	۳۴۹۲۳۱	۱,۱	۱,۴
اداری-انتظامی	۳۱۱۷۲۱	۱,۰	۱,۲
تجاری-خدماتی	۵۸۵۰۸۳	۱,۸	۲,۳
ورزشی	۱۳۳۰۰۴	۰,۴	۰,۵
بهداشتی-درمانی	۲۴۷۹۵۷	۰,۸	۱,۰
فرهنگی-هنری	۳۴۲۸۳	۰,۱	۰,۱
پارک و فضای سبز	۷۴۸۳۶۹	۲,۴	۲,۹
مذهبی	۷۳۸۶۹	۰,۲	۰,۳
تاسیسات شهری	۲۲۷۳۵۹	۰,۷	۰,۹
تجهیزات شهری	۳۵۱۴۹۷	۱,۱	۱,۴
حمل و نقل و انبارداری	۴۲۷۸۵۹	۱,۳	۱,۷
معابر	۶۰۷۹۹۰۰	۱۹,۱	۲۳,۷
نظامی	۳۷۹۴۴	۰,۱	۰,۱
باغات و کشاورزی	۶۱۵۴۷۹۲	۱۹,۳	۲۴,۰
صنعتی	۱۳۸۲۶۳۸	۴,۳	۵,۴
حریم	۳۹۴۸۳۱	۱,۲	۱,۵
تفریحی-توریستی	۱۶۸۱۰۰	۰,۵	۰,۷
بایر	۸۶۳۴۰۱۹	۲۷,۱	۳۳,۶
جمع کل شهر	۳۱۸۱۱۳۸۲	۱۰۰,۰	۱۲۳,۹

منبع: مهندسان مشاور باوند، ۱۳۹۷

یافته‌های تحقیق

تعیین محله‌های فقیرنشین از اقدامات اولیه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری جهت ساماندهی، ارتقاء و توانمندسازی این گونه بافت‌ها به شمار می‌آید. شناسایی و پهنه‌بندی این گونه بافت‌ها در سطح شهر شهریار نیازمند استفاده از روشی

کاربردی و بهینه است. بنابراین از دو مدل AHP و دلفی استفاده شد. به این صورت که در سطح معیارها و زیرمعیارها و برای به دست آوردن اهمیت نسبی آن‌ها از روش وزن‌دهی AHP و در سطح گزینه‌ها از روش وزن‌دهی دلفی، استفاده شده است. پس از تعیین میزان محرومیت محله‌های مختلف شهر از لحاظ ویژگی‌های کالبدی، اجتماعی و اقتصادی، وزن هر یک از این معیارها با استفاده از روش دلفی تعیین شده است. در واقع، به منظور تعیین پهنه‌های فضایی فقر شهری، لایه‌های اطلاعاتی مربوط به میزان محرومیت محله‌های مختلف شهر شهریار از لحاظ معیارهای اجتماعی، اقتصادی و کالبدی با روش دلفی مورد مقایسه قرار گرفته و وزن نهایی هر یک مشخص شده است (جدول ۳).

جدول ۳. وزن دهی به معیارهای پهنه‌بندی محله‌های فقیرنشین شهر شهریار

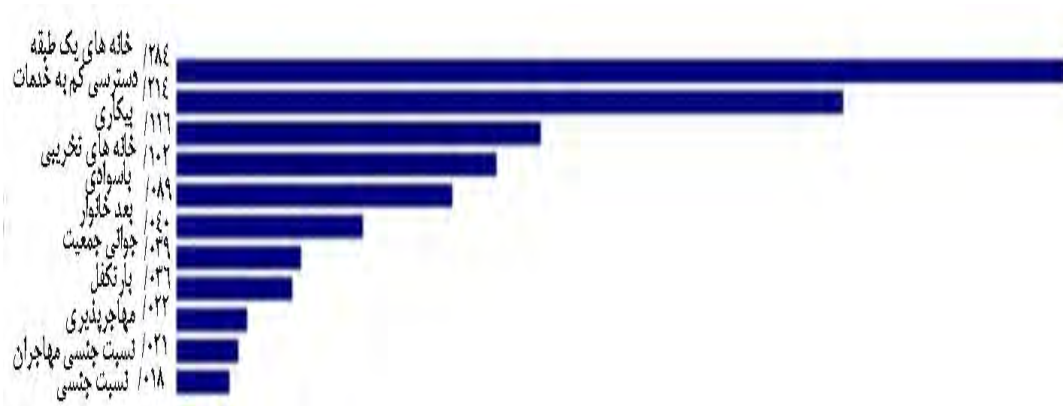
وزن نسبی	معیار
۰/۳۱	اجتماعی
۰/۳۳	اقتصادی
۰/۳۶	کالبدی

سپس با برهم‌گذاری این لایه‌ها و اعمال وزن نهایی در آن پهنه‌های فضایی فقر شهری مشخص شده است. به این منظور لایه‌های محرومیت اجتماعی، اقتصادی و کالبدی به گروه‌های پنج‌گانه (جدول ۴) تقسیم شده و وزن هر یک از گروه‌ها، مشخص شده است. در این وزن‌دهی محله‌های دارای محرومیت بسیار زیاد، بیشترین و محله‌های دارای محرومیت بسیار کم، کم‌ترین امتیاز را به خود اختصاص داده است.

جدول ۴. وزن دهی به معیارهای پهنه‌بندی محله‌های فقیرنشین شهر شهریار

وزن نسبی	میزان محرومیت
۰/۰۹	محرومیت بسیار کم
۰/۱۴	محرومیت کم
۰/۱۵	محرومیت متوسط
۰/۲۸	محرومیت زیاد
۰/۳۴	محرومیت بسیار زیاد

برای تعیین پهنه‌بندی فقر شهری شهریار از شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی مشتمل بر بعد خانوار، نسبت جمعیت زیر ۱۵ سال از کل جمعیت، نسبت مهاجران به جمعیت هر محله، نسبت جنسی مهاجران، نسبت جنسی، نرخ باسوادی، نرخ بیکاری کل، بار تکفل، خانه‌های تعمیری، خانه‌های تخریبی، خانه‌های یک طبقه و میزان دسترسی به کاربری‌های آموزشی، بهداشتی، فراغتی و فضای سبز استفاده شده است. پس از معرفی شاخص‌ها، نمره‌دهی آن‌ها صورت گرفته است (شکل ۳).



شکل ۳. نمودار میله‌ای شاخص‌های پهنه‌بندی فقر در شهر شیراز

در نهایت، بر اساس مدل AHP تعیین پهنه‌های فقر صورت گرفته است و مشخص شد که محله‌های شمالی (محمدیه)، جنوبی (بردآباد شمالی، بردآباد جنوبی و کهنز)، مرکزی (فرهنگ، طالقانی، سینک، علیشاعوض) و شرقی (محمدآباد و کرشته) شهر شیراز در وضعیت مناسبی قرار ندارند و جهت سازماندهی و توانمندسازی، نیازمند مداخله فوری هستند (جدول ۵). از لحاظ گونه‌بندی بافت‌ها، بیشتر فقر شهری بر بافت‌های فرسوده و مرکزی شهری، بافت‌های روستایی ادغام شده در شهر و همینطور بافت‌های حاشیه‌ای و غیررسمی منطبق شده است.

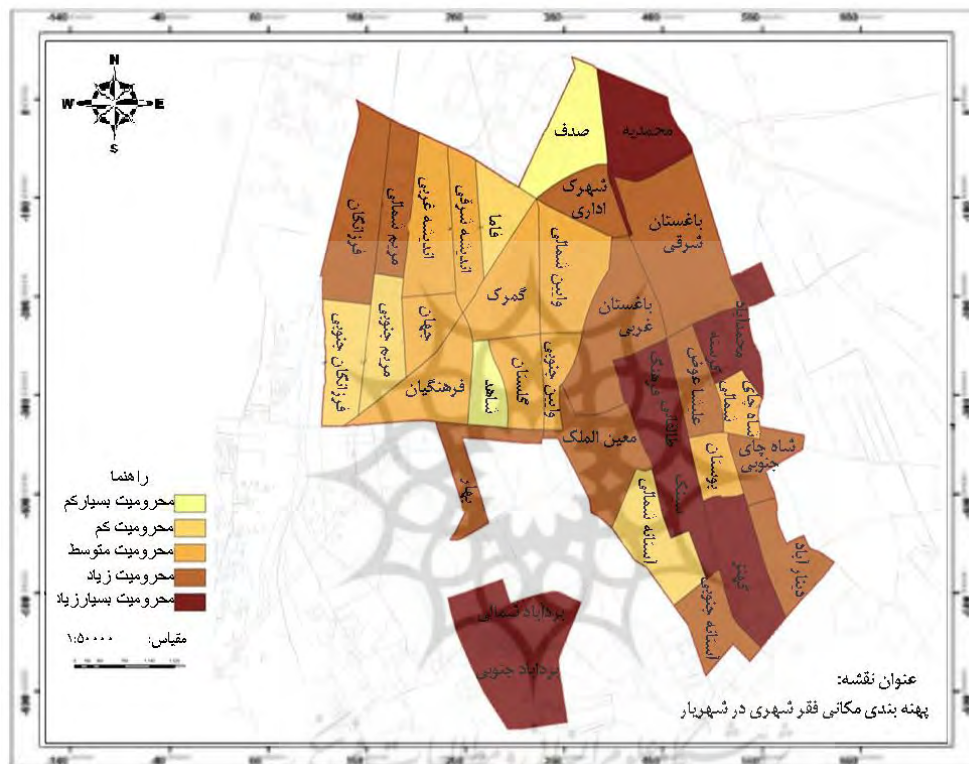
جدول ۵. شاخص‌های فقر در محله‌های شهر شیراز با استفاده از روش AHP

نمره کل	میزان دسترسی	درصد واحدهای یک طبقه	درصد تخریبی	درصد واحدهای تعمیری	میزان بار تکفل	نرخ بیکاری کل	نرخ پاسوادی کل	نسب جنسی	نسب جنسی مهاجران	نسب مهاجران به جمعیت هر محله	نسب جمعیت زیر ۱۵ سال از کل جمعیت	نسب بعد خانوار	تعداد جمعیت	محله
۳۷/۸۷	۵	۷۱/۸۲	۰/۱۲	۴۸/۵۱	۳/۸۹	۵/۰۹	۷۳/۸	۱/۱	۱	۱۸/۴۱	۲۶/۲	۴/۱	۱۶۳۸۰	بردآباد شمالی
۳۷/۵۴	۳	۵۷/۶	۰/۰۹	۵۱/۴۶	۳/۷۴	۹/۸۸	۷۲/۷	۱/۱	۱/۱	۲۹/۳۱	۲۹/۳	۴/۱	۱۶۷۲۸	بردآباد جنوبی
۳۴/۶۲	۵	۴۷/۸۸	۰/۴۷	۳۸/۱۸	۳/۵	۵	۸۳/۷	۱/۱	۱	۳۴/۶۷	۲۴/۸	۳/۸	۱۰۵۶۳	کهنز
۳۳/۱۶	۵	۴۸/۹۳	۱/۱۳	۳۲/۱۵	۳/۴۹	۸/۴۲	۸۳/۳	۱/۱	۱	۲۳/۶۳	۲۱/۹	۳/۶	۵۳۵۲	کرشته
۳۱/۹۲	۵	۲۹/۸۷	۱/۵۸	۳۱/۸۴	۳/۲۹	۶/۳۸	۸۸	۱	۱	۲۵/۶۹	۲۳/۱	۳/۵	۱۰۹۷۹	فرهنگ
۳۱/۳۹	۵	۳۵/۶۹	۱/۱۴	۲۹/۶۸	۳/۴	۶/۰۴	۸۶/۵	۱	۱/۱	۲۳	۲۳/۱	۳/۵	۸۱۸۴	طالقانی
۲۹/۹۴	۴	۵۱/۴۷	۰/۶۷	۲۰/۲۹	۳/۲۳	۱۴/۰۵	۷۹/۹	۱/۱	۱	۲۶/۹۶	۲۴/۷	۳/۸	۴۹۸۶	محمدآباد
۲۹/۸۲	۳	۷۶/۷۴	۰	۲۱/۷۴	۳/۴۳	۸/۸۹	۷۳/۹	۱/۲	۰	۱/۴۵	۱۳	۳/۶	۶۹	محمدیه
۲۸/۰۳	۴	۵۲/۵۳	۰/۹۲	۱۰/۱۶	۳/۳۴	۹/۸	۸۵/۹	۱/۱	۱/۱	۴۰/۷۳	۲۲/۶	۳/۶	۲۴۲۸	سینک
۲۷/۳۵	۴	۸۱/۸۲	۰	۱۳/۴۳	۴/۳۵	۱۰	۵۷/۸	۱/۱	۱/۱	۵۳/۴۵	۳۱	۳/۶	۱۱۶	آستانه جنوبی
۲۷/۱۲	۱	۹۱/۷۷	۰	۲/۴۷	۳/۵۱	۹/۸	۷۸/۸	۰/۸	۰/۸	۲۲/۲۸	۱۹	۳/۸	۱۸۴	بهار

تحلیل همپوشانی پهنه‌بندی مکانی فقر و بافت فرسوده و... (مهندزاد و همکاران)

نمره کل	میزان دسترسی	درصد واحدهای یک طبقه	درصد تخریبی	درصد واحدهای تعمیری	میزان بار تکفل	نرخ بیکاری کل	نرخ باسوادی کل	نسب جنسی	نسبت جنسی مهاجران	نسبت مهاجران به جمعیت هر محله	نسبت جمعیت زیر ۱۵ سال از کل جمعیت	نسب بعد خانوار	تعداد جمعیت	محله
۲۶/۷۲	۵	۲۸/۵۷	۱/۲۳	۱۵/۴	۳/۲۱	۵/۳۲	۸۷/۵	۱	۱	۲۴/۳۷	۲۱/۸	۳/۴	۱۲۶۳۸	علیشاغوص
۲۶/۶۱	۴	۸۰/۱۲	۰/۶۵	۷/۷۹	۲/۷۹	۴/۵۳	۷۰/۳	۱/۱	۱/۳	۳۱/۰۱	۲۵/۱	۳/۸	۳۰۳	معین الملک
۲۶/۴۶	۴	۷۳/۱۴	۰/۰۹	۱/۷	۴/۱۶	۲/۳۸	۸۳/۹	۱/۴	۲/۱	۳۴/۹۵	۲۸/۵	۳/۷	۱۸۶	دینارآباد
۲۶/۲۶	۵	۳۱/۵۱	۰/۳۴	۱۱/۲۴	۳/۳۷	۸/۳	۸۶/۲	۱	۱	۴۴/۶۹	۲۴/۱	۳/۶	۵۵۴۳	شاه چای جنوبی
۲۵/۸۳	۱	۵۶/۸۲	۰	۲/۲۲	۱/۷۱	۰	۹۲/۲	۳/۳	۶	۶۸/۶۳	۱۳/۷	۳/۹	۵۱	شهرک اداری
۲۵/۶۴	۵	۴۰/۹۶	۰/۵۳	۶/۹۱	۳/۶۷	۶/۳۴	۸۶/۳	۱/۱	۱/۲	۴۰/۱۴	۲۰/۸	۳/۸	۹۸۴	باغستان غربی
۲۵/۶۲	۴	۴۵/۹۹	۰/۲۹	۷/۶۷	۳/۶۲	۱۱/۶۱	۸۲/۴	۱/۱	۱/۱	۲۱/۲۷	۲۲	۳/۶	۱۷۱۱	باغستان شرقی
۲۵/۲۵	۵	۴۰	۰	۰	۳/۳۶	۱۹/۱۹	۸۴/۷	۱/۱	۱/۱	۶۳/۷	۲۳/۵	۳/۹	۷۶۳	مریم شمالی
۲۴/۶۲	۵	۴۱/۸۵	۰	۶/۹۱	۳	۴/۷	۸۲/۸	۱/۲	۱/۳	۲۹/۴۷	۲۳/۲	۳/۸	۱۳۸۱	شاه چای شمالی
۲۴/۱۰۵	۲	۶۸/۲۹	۵/۱۳	۰	۱/۹	۰	۷۳/۳	۱/۵	۱	۵۳/۳۳	۱۳/۳	۳/۸	۱۵	فرهنگیان
۲۳/۴۵	۵	۲۶/۰۳	۰/۲۸	۰/۹۵	۳/۵۹	۸/۹۹	۸۶/۳	۱/۱	۱	۶۹/۹۱	۲۴/۸	۳/۵	۳۷۹۲۴	اندیشه غربی
۲۳/۱۹	۵	۲۸/۰۵	۰/۴۲	۰/۵۸	۳/۲۷	۶/۴۹	۸۶	۱	۱	۶۹/۸۵	۲۴/۲	۳/۴	۲۲۴۷۴	اندیشه شرقی
۲۲/۷۹	۴	۸۲/۱۹	۲/۶	۰	۳/۴۹	۰	۵۱/۲	۱/۵	۱/۶	۸۹/۱۵	۳۱	۳/۷	۱۲۹	گمرک
۲۱/۰۷	۴	۱۹/۹۶	۱۰/۳۵	۱/۲۴	۱۳/۱۴	۱/۱۹	۸۵/۹	۱	۱/۱	۴۲/۰۹	۲۳/۸	۳/۵	۲۷۵۱	بوستان
۲۰/۹۹	۵	۸/۳۶	۰/۲۷	۰	۳/۳۸	۵/۹	۸۴/۷	۱/۱	۱	۷۸/۹۸	۲۶/۹	۳/۳	۵۲۹۴	جهان
۲۰/۶۱	۳	۳/۶۷	۰	۰/۲	۳/۶۳	۱۵/۴۱	۸۲/۱	۱/۲	۱/۲	۷۲/۷۷	۲۶/۴	۳/۹	۱۱۴۲	واین جنوبی
۲۰/۵۰	۵	۵/۶۸	۰/۰۵	۰/۳۵	۳/۵۹	۶/۸	۸۳/۸	۱/۱	۱/۱	۷۰/۵۴	۲۵/۶	۳/۷	۸۸۰۱	واین شمالی
۱۹/۸۸	۳	۲/۸۹	۰	۰/۴۳	۳/۳۹	۶/۲۵	۸۲/۱	۱/۱	۱/۱	۸۶/۷۴	۲۸/۵	۳/۵	۱۴۵۵	مریم جنوبی
۱۸/۱۳	۴	۰	۰	۰	۳/۰۷	۴/۴۲	۸۱/۶	۱/۲	۱/۲	۳۲/۰۳	۲۷/۳	۳/۷	۲۷۶	آستانه شمالی

یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که محله‌های «بردآباد شمالی و بردآباد جنوبی، محمدیه، کرشته، فرهنگ، طالقانی، کهنز، سینک» در محرومیت بسیار زیاد به سر می‌برند. همینطور محله‌های «فرزانگان، مریم شمالی، شهرک اداری، باغستان شرقی، باغستان غربی، معین الملک، بهار، علیشاعوض، شاه‌چای جنوبی، دینارآباد و آستانه جنوبی» در طبقه محرومیت زیاد قرار می‌گیرند. در واقع تمرکز فقر شهر شهریار در محله‌های مذکور صورت گرفته است. همینطور محله‌های «اندیشه شرقی، اندیشه غربی، جهان، فرهنگیان، گلستان، وایین جنوبی، وایین شمالی و گمرک» در وضعیت محرومیت متوسط قرار گرفته‌اند. افزون بر این، محله‌های مریم جنوبی، فرزانگان جنوبی، شاه‌چای شمالی، بوستان، آستانه شمالی، صدف و شاهد در وضعیت محرومیت کم و بسیار کم قرار گرفته‌اند (شکل ۴).



شکل ۴. پهنه‌بندی فضایی فقر شهری در شهر شهریار

شهر شهریار با فرسودگی فضایی-کالبدی بافت‌های فرسوده و فقر شهری مواجه شده است. مهاجرت خانوارهای اصیل، فرسودگی زیست‌محیطی، فرسودگی زیرساخت‌ها، کمبود خدمات، کمبود عرصه‌های عمومی و افزایش آسیب‌ها و جرایم اجتماعی از جمله دلایل این امر به شمار می‌آید. با وجود این، مطالعه اسناد و طرح‌های شهری به خصوص طرح بافت فرسوده نشان‌دهنده آن است که سه علت بیش از همه در شکل‌گیری پهنه‌های فقر و بافت‌های فرسوده شهر شهریار نقش داشته است:

۱. رشد شتابان افزایش جمعیت شهری کشور طی پنج دهه اخیر و عقب‌ماندگی تمرکززدایی نسبت به رشد اقتصاد ملی و عدالت توزیعی مهم‌ترین عامل فقر و گسترش فرسودگی فضاهای شهری است. این امر موجب

تمرکز امکانات و خدمات و فرصت‌های اقتصادی در کانون‌ها و مراکز خاص به خصوص کلان شهر تهران شده است. ورود مهاجران روستایی و شهرهای کوچک موجب اسکان آن‌ها در مناطق پیراکلانشهری تهران شده است چرا که آن‌ها توان پرداخت هزینه‌های مسکن در کلان شهر تهران را ندارند.

≠ بازار زمین، بازار مستغلات شهری و بازار سرمایه در پاسخ به تقاضای گروه‌های کم درآمد و فقیر برای صاحب خانه شدن و بازآفرینی بافت‌های قدیمی خود نقش مهمی در گسترش بافت‌های خودرو و غیررسمی در شهر شهریار دارد. به طوری که گرایش به گسترش اسکان غیررسمی و استقرار در نواحی فرسوده افزایش می‌یابد. شکل‌گیری محله امیریه یا بردآباد شمالی و جنوبی از جمله نمودهای این امر است.

≠ رویکرد مدیریتی به بافت‌های فرسوده شهری نتوانسته است به موقع برای برون رفت از دور باطل فقر اجتماعی - اقتصادی و فرسودگی فضایی چاره اندیشی نماید. در عین حال، با تأکید بر توسعه نواحی جدید و وضع ضوابط و مقررات فراتر از توان مالی بخش‌هایی از جمعیت، در حاشیه ماندن این نواحی دامن زده است.

تحلیل همپوشانی بافت‌های فرسوده و پهنه‌های فقیرنشین

محله‌های امیرآباد (بردآباد شمالی و جنوبی)، کرشته، فرهنگ و کهنز به عنوان بافت‌های مصوب شهر شهریار شناخته می‌شوند (جدول ۶ و شکل ۵). مساحت بافت فرسوده در شهر شهریار، ۱۵۰ هکتار است که بر اساس آمار سال ۱۳۹۵، ۴۶۲۷۴ نفر در آن زندگی می‌کنند. در حقیقت، حدود ۵ درصد از مساحت شهر به بافت‌های فرسوده تعلق دارد. میانگین کلی سرانه اراضی در محدوده بافت‌های فرسوده شهر شهریار ۳۲ مترمربع است. کاربری مسکونی با ۵۷٫۵ درصد بیشترین سهم از کاربری‌ها را به خود اختصاص داده و سرانه آن ۱۸٫۴ متر مربع است. در حالی که نسبت کاربری مسکونی در کل شهر ۱۷ درصد و سرانه آن ۲۸ مترمربع است. سرانه پایین کاربری مسکونی در بافت فرسوده نسبت به کل شهر ناشی از ریزدانه‌گی بافت و جمعیت بالای ساکن در آن است. همان‌طور که در جدول ۶ و شکل ۵، مشخص است محله‌های فرهنگ، کرشته، کهنز و بردآباد (شمالی و جنوبی) با شاخص‌های فقر شهری هم‌پوشانی داشته‌اند. در واقع، می‌توان گفت تمام بافت‌های فرسوده شهر شهریار جزء محله‌های فقیرنشین این شهر محسوب می‌شوند.

جدول ۶. مساحت محدوده‌های بافت فرسوده شهر شهریار

مساحت (متر مربع)	محدوده بافت فرسوده
۳۶۶۴۱۷	فرهنگ-طالقانی (علیشاه‌عوض)
۲۶۳۲۹۳	کرشته
۶۲۹۷۱۰	جمع (علیشاه‌عوض + کرشته)
۱۳۴۰۷۴	کهنز
۷۱۷۴۱۶	بردآباد
۱۴۸۱۲۰۰	جمع کل



شکل ۵. گونه شناسی بافت فرسوده شهر شهریار (منبع: وزارت راه و شهرسازی، ۱۳۹۸)

با بررسی میدانی و مصاحبه با کارشناسان اداره عمران و نوسازی شهرداری شهریار و همچنین مطالعه طرح‌های توسعه شهری شهریار، مشخص شد که بافت‌های فرسوده در شهر شهریار به انواع مختلفی تقسیم می‌شوند. چنانچه بافت‌های فرسوده در شهر شهریار به پنج نوع عمده قابل تقسیم هستند:

۱) بافت‌های قدیمی و کهنه

وقتی بافت قدیمی فرسوده و کهنه می‌شود به علت آن است که انگیزه ساکنان برای نوسازی بافت از میان رفته است، ساکنان قدیمی مهاجرت کرده و اقشار اجتماعی کم‌درآمدتر جایگزین آن‌ها شده‌اند. این قبیل بافت‌ها، بافت‌های میانی شهرها را تشکیل می‌دهند. ترافیک سنگین و آلودگی و وسایل نقلیه موتوری موجب ازدحام، انتشار آلودگی در هوا، آلودگی صوتی و تخریب محیط می‌شود. در این حالت نیز سه عامل اصلی مشتمل بر «کاهش تنوع کاربری به زیان مسکونی و فراغتی، تردد ماشین‌ها، تبدیل بناها به انواع کاربری‌های تجاری، تولیدی و انبار همراه با جایگزینی فعالیت‌های لوکس‌تر و تشکیل بورس» سبب فرسودگی بافت می‌شوند. بافت‌های میانی شهر شهریار شامل محله‌های کرشته، علیشاه‌عوض و فرهنگ در زمره این گونه بافت‌ها قرار می‌گیرند.

۲) بافت‌های روستایی

این گونه بافت‌ها در روند رشد شهر در بافت گسترده شهری ادغام شده‌اند. ویژگی‌های عمده بافت‌های روستایی شامل نفوذپذیری با شبکه کم‌عرض و پریپچ و خم، کوچه‌های بن‌بست، قطعات ملکی ریزدانه و بافت فشرده است. روستاهای دینارآباد و کهنز در شهر شهریار در زمره این گونه بافت‌ها قرار می‌گیرند. این گونه بافت‌ها که زمانی در

حاشیه شهر قرار داشتند بواسطه رشد شتابان شهر در آن ادغام شده‌اند. شبکه دسترسی، دانه‌بندی و عوارض خاص زمینی به همان شکل روستایی باقی مانده‌اند.

۳) بافت‌های خودرو در حاشیه و حومه شهر

این بافت‌ها که زمانی در حاشیه شهرها قرار داشته‌اند، مالکان آن‌ها را تفکیک نموده و اقشار کم‌درآمد شهری اقدام به خریداری و سکونت در آنها کرده‌اند. از مهم‌ترین مشخصه این بافت‌ها می‌توان به شبکه نفوذپذیر، ناکارآمد و کم‌عرض، قطعات مالکیت ریزدانه، بافت فشرده و پرتراکم، فقدان کاربری‌ها و خدمات محلی و نارسایی تاسیسات زیربنایی و روبنایی اشاره نمود. بافت محله امیریه (بردآباد شمالی و بردآباد جنوبی) واقع در جنوب غربی شهر شهریار از این گونه بافت‌ها به شمار می‌آید.

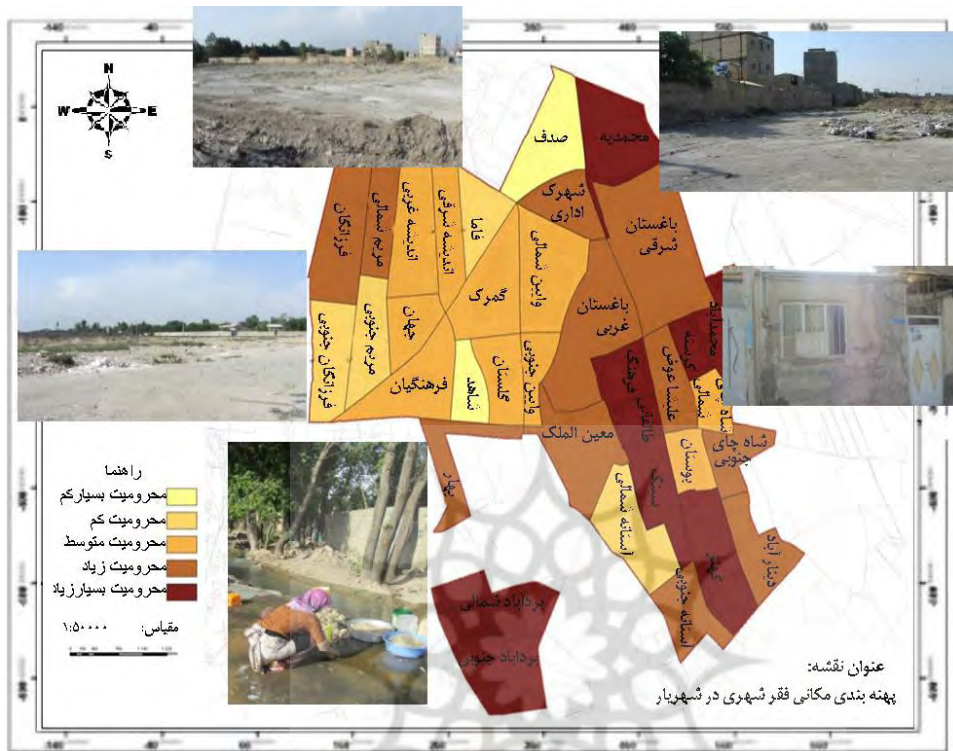
۴) بافت‌های شهری با ساکنان کم‌درآمد و فقیر

این گونه بافت‌ها چه به شکل خودرو در حاشیه یا اراضی تملک شده در میان شهر و چه به شکل تفکیک شده توسط دولت یا دیگر نهادها و ارگان‌ها به دلیل فقدان و پایین بودن سطح درآمد، از بدو شکل‌گیری مسأله‌دار و فرسوده هستند و بار مشکلات سنگینی را بر شهر تحمیل می‌کنند. قطعات مالکیت ریزدانه و بافت متراکم و بدون حداقل خدمات شهری لازم، به علت سطح درآمد پایین، عدم سازماندهی برای اقدام مشترک و جمعی، عدم دخالت یا دخالت ضعیف دولت و بخش عمومی تنها در خصوص تسطیح خیابان‌ها و غیره، محله‌هایی نابسامان به نام بافت مسکونی ظهور یافته است.

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشانگر آن است که به تقریب فقر در تمام سلول‌های شهر شهریار بروز پیدا کرده است و تنها محله‌های صدف و تا حدودی اندیشه، وضعیت مناسبی دارند. خاطر نشان می‌شود این محله‌ها بر اساس اصول شهرسازی جدید طراحی شده‌اند و بر همین اساس ساکنان مرفه در آنها ساکن شده‌اند. بنابراین نوعی فضای دوقطبی در سطح شهر شکل گرفته است. پهنه‌های فضایی فقر شهری بر شمال شرقی (محمدیه)، جنوب (بردآباد شمالی و بردآباد جنوبی)، کهنز و آستانه جنوبی)، شرق (محمدآباد، کرشته)، و شمال غربی (فرزانگان، مریم شمالی) و مرکز (شهرک اداری، سینک، باغستان شرقی، باغستان غربی، معین الملک، فرهنگ، طالقانی) و جنوب شرقی (شاه‌چای جنوبی، دینارآباد) شهر شهریار منطبق شده است. در واقع، فقر شهری در محله‌های شهر شهریار تمرکز فضایی پیدا کرده و بیشتر در بافت‌های فرسوده (محله‌های کرشته، علیشاه‌عوض و فرهنگ)، روستایی (محله‌های دینارآباد و کهنز)، بافت‌های خودرو در حاشیه و حومه شهر (محله‌های محمدیه، محمدآباد) و سکونتگاه‌های غیررسمی (محله‌های بردآباد شمالی و بردآباد جنوبی) رخساره نموده است. بنابراین بین محله‌های فقیرنشین و بافت فرسوده، در شهر شهریار نوعی هم‌پوشانی وجود دارد. چنانچه محله‌های امیرآباد (بردآباد شمالی و جنوبی)، کرشته، فرهنگ و کهنز به عنوان بافت‌های فرسوده مصوب شهر شهریار، جزء محله‌های فقیرنشین این شهر به شمار می‌آیند. مشاهده‌های میدانی بیانگر آن است که این محله‌ها از لحاظ کالبدی بسیار نامنظم و دارای حداقل امکانات و خدمات شهری و در برخی از موارد فاقد هر گونه خدمات هستند.

ساکنان آن‌ها در بخش اقتصاد غیررسمی و در مشاغل نظیر دوره گردی، زباله گردی، خرید و فروش نان خشک، ضایعات آهن، کار در کارگاه‌های مزاحم شهری نظیر صاف کاری و مکانیکی و ... مشغول هستند. افزون بر این، مسکن غیراستاندارد، وضعیت نابسامان محیطی و پایین بودن سطح بهداشت و نبود امکانات بهداشتی، از دیگر مشخصه‌های محله‌های فقیرنشین شهر شیراز است (شکل ۶).



شکل ۶. نمود فقر در محله‌های شهر شیراز

یافته‌های پژوهش حاضر با نظریه انزوای اجتماعی ویلسون (۱۹۸۷) و نظریه تمرکز فقر جارگوسکی (۲۰۱۲) منطبق است. به این معنا که بیکاری زیاد، سیستم آموزشی ضعیف، محرومیت از بازار رسمی کار، انزوای اجتماعی، عدم حمایت دولت بر تشدید فقر شهری در شهر شیراز تأثیر گذاشته است. افزون بر این، ساکنان این گونه محله‌ها از بسیاری از حقوق اولیه نظیر دسترسی مناسب به امکانات خدماتی، تفریحی و بهداشتی محروم‌اند. در واقع، ساکنان این گونه محله‌ها به حاشیه و لبه سیستم رانده شده و هیچ گونه مشارکتی در روند برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و اجرای پروژه‌های شهری ندارند. ساکنان محله‌های نابسامان شهر به دلایلی نظیر پایین بودن میزان دسترسی به فرصت‌های آموزشی، در دست نداشتن ابزارهای قدرت، عدم مشارکت در امور جاری محله‌ها، نداشتن قدرت ایجاد ارتباط مؤثر با محیط اطراف، به شدت احساس بی‌قدرتی و ناامیدی می‌کنند. بنابراین، نتوانسته‌اند ارتباط رسمی و کارآمد با مدیریت شهری شکل دهند، در نتیجه قادر به بهره‌گیری از منابع و فرصت‌های نظام مدیریت شهری جهت ارتقای وضعیت محله‌های خود نیستند.

بنابراین پیشنهادهای زیر جهت سازماندهی، توانمندسازی و ارتقاء کیفیت زندگی در محله‌های فقیرنشین شهر شهریار ارائه می‌گردد:

- توانمندسازی اقتصادی ساکنان از راه ایجاد صندوق وام و پس‌انداز محلی، آموزش مهارت‌های شغلی؛
- حمایت از کارگاه‌های تولیدی کوچک و متوسط و بهره‌گیری از ظرفیت مشاغل خانگی (بخصوص زنان)؛
- استقرار امکانات آموزشی، خانه بهداشت، پارک محله‌ای، زمین ورزشی و فضاهای بازی کودکان به خصوص در محله‌های محمدیه، محمدآباد، کرشته، فرهنگ و بردآباد شمالی و جنوبی؛
- ارائه تسهیلات کم‌بهره جهت مقاوم‌سازی و ساماندهی خانه‌های نامنظم در محله‌های فقیرنشین شهر شهریار؛ و
- ساماندهی نابسامانی محیطی و ارتقاء خدمات بهداشتی در محله‌های فقیرنشین شهر شهریار.

منابع

- بزرگوار، علیرضا. زیاری، کرامت اله. تقوایی، مسعود. ۱۳۹۶. **سنجش مکانی پهنه‌های فقر شهری در شهرهای جدید (مورد مطالعه: شهر جدید هشتگرد)**، فصلنامه مجلس و راهبرد، ۲۴(۹۲): ۲۷-۵.
- زنگانه، احمد. تلخابی، حمیدرضا. گازرانی، فریدون. یوسفی فشکی، محسن. ۱۳۹۴. **گستره‌های فضایی فقر شهری اراک**. تحلیل فضایی مخاطرات محیطی، ۲(۱): ۹۳-۱۰۷.
- سلیمانی مقدم، هادی. زندی، رحمان. اکبری، ابراهیم. ۱۳۹۸. **پهنه‌بندی و تحلیل فضایی فقر شهری با استفاده از تحلیل‌های مکانی (مورد مطالعه: شهر مشهد)**، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی.
- صدرموسوی، میرستار. عابدینی، اصغر. خضرنژاد، پخشان. ۱۳۹۶. **تحلیل فضایی و رتبه‌بندی شهرهای استان آذربایجان غربی بر اساس شاخص‌های فقر شهری**، فصلنامه آمایش محیط، ۱۰(۳۷): ۱۴۸-۱۲۳.
- عبداللهی، علی اصغر. قاسمی، مسلم. شیخ‌علی پور، بهزاد. ۱۳۹۵. **تحلیل توزیع فضایی فقر در نواحی شهری با استفاده از تکنیک Morris؛ (مطالعه موردی: شهرستان‌های استان کرمان)**، فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی، ۳(۱۹): ۳۷-۵۷.
- موحد، علی. ولی‌نوری، سامان. ۱۳۹۶. **تحلیل پویایی فقر شهری در کلان‌شهر تهران ۱۳۷۵-۹۰**، فصلنامه جغرافیا، ۵۵(۱۳۹۶): ۳۷-۵۰.
- مهندزاد، حافظ. پرهیز، فریاد. ۱۳۹۶. **تعیین پهنه‌های مکانی فقر شهری از لحاظ شاخص‌های اقتصادی (مورد مطالعه: منطقه ۱۲ کلانشهر تهران)**، سومین همایش بین‌المللی افق‌های نوین در مهندسی عمران، معماری و شهرسازی، تهران، ایران.
- مهندزاد، حافظ. پرهیز، فریاد. ۱۳۹۹. **تعیین مکانی پهنه‌های فقر شهری (مورد پژوهی: منطقه ۱۲ کلانشهر تهران)**، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، https://jhgr.ut.ac.ir/article_76191.html.
- مهندسان مشاور باوند. ۱۳۹۷. **شناسایی محدوده‌های بافت فرسوده شهر شهریار**، وزارت راه و شهرسازی و سازمان نوسازی شهرداری شهریار، شهریار، ایران.

- نیک پور، عامر. حسنعلی زاده، میلاد. ۱۳۹۷. تحلیل میزان انطباق پهنه‌های بافت فرسوده شهری با پهنه‌های فقر (مطالعه

موردی: شهر قائم‌شهر)، فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه کالبدی، (۱۷): ۶۰-۴۵.

- Benassi, D. Morlicchio, E. 2019. **New Urban Poverty**, *The Wiley Blackwell Encyclopedia of Urban and Regional Studies*, doi.org/10.1002/9781118568446.eurs0466.
- Erickson, D. Reid, C. Nelson, L. O'Shaughnessy, A. Berube, A. 2008. **The Enduring Challenge of Concentrated Poverty in America: Case Studies from Communities Across the U.S.**, 2008 The Federal Reserve System and The Brookings Institution.
- Guo, Y. Chang, S-S. Sha, F. Yip, P.S. 2018. **Poverty concentration in an affluent city: Geographic variation and correlates of neighborhood poverty rates in Hong Kong.** *PLoS ONE*, 13(2): 1-17.
- Hussain, T. Abbas, J. Wei, Z. Nurunnabi, M. 2019. **The Effect of Sustainable Urban Planning and Slum Disamenity on The Value of Neighboring Residential Property: Application of The Hedonic Pricing Model in Rent Price Appraisal**, *Sustainability Journal*, 11(2019):1-20.
- Jargowsky, P. 2012. **Concentration of Poverty in the New Millennium: Changes in the Prevalence, Composition, and Location of High-Poverty Neighborhoods**, The Century Foundation and Rutgers CURE.
- Kubrin, C. E. Wo, J. C. 2016. **ocial Dirrrgzzzztt inn Tyyyyyys Geeatsst Clll eee: Linking Structural Characteristics to Crime in Socially Disorganized Communities**, *The Handbook of Criminological Theory*, First Edition. Edited by Alex R. Piquero, John Wiley & Sons.
- Liddle, B. 2017. **Urbanization and Inequality/Poverty**, *Urban Science Journal*. 1(35):1-7, doi:10.3390/urbansci1040035.
- Shapiro, I. Murray, C. Sard, B. 2015. **Basic Facts on Concentrated Poverty**, 1(2015): 1-20.
- Small, M. L. Newman, K. 2001. **Urban Poverty after The Truly Disadvantaged: The Rediscovery of the Family, the Neighborhood, and Culture**, *Annual Review of Sociology*, 27 (2001): 23-45
- Small, M. L. 2004. **Villa Victoria: The Transformation of Social Capital in a Boston Barrio**. Chicago, IL: University of Chicago Press.
- UN-HABITAT. 2010. **State of the World's Cities 2010/2011—Cities for All: Bridging the Urban Divide**; UN-HABITAT: Nairobi, Kenya.
- Wilson, W. J. 1987. **The Truly Disadvantaged: The Inner City, the Underclass, and Public Policy**, Chicago, IL: University of Chicago Press.
- Zainal, N. R. Kaur, G. Ahmad, N. A. Khalili, J. M. 2012. **Housing Conditions and Quality of Life of the Urban Poor in Malaysia**, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 50 (2012): 827 – 838.